

#### خبر

#### فایننشال تایمز:

#### اختلال در بازار پلاستیک آسیا و کمبود نفت

آسیا به دلیل کمبود عرضه نفت و گاز ناشی از جنگ ایران، کمبود پلاستیک مواجه است و لوازم پزشکی، بسته‌بندی و محصولات مصرفی بیشترین آسیب را در برابر این شوک دارند. به گزارش ایسا، روزنامه فایننشال‌تایمز در گزارشی نوشت: بزرگ‌ترین مشکل برای بزرگ‌ترین منطقه تولیدکننده پلاستیک جهان، کمبود نفتا، ماده اولیه کلیدی پلاستیک است. در نتیجه کمبود عرضه، قیمت این ماده اولیه در آسیا دو برابر شده که به افزایش قیمت طیف وسیعی از محصولات منجر شده و به روند تورم نگران‌کننده در آسیا دامن زده است. ژاپن اوایل ماه جاری اعلام کرد حجم کافی نفتا را تا پایان سال تأمین کرده است، اما سایر کشورهای آسیایی چندان خوش شانس نبوده‌اند. اندونزی برای مثال، با بحران در صنعت عرضه نفتا روبه‌رو است و فعالان این بخش به تولیدکنندگان پلاستیک هشدار می‌دهند ممکن است به دلیل کمبود عرضه، مجبور به تعلیق فعالیت خود شوند. اندونزی تقریباً به طور کامل برای تأمین نفتای خود به واردات وابسته است و بیشتر این واردات از خاورمیانه می‌آید. کشورهای آسیایی از زمان آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران در اواخر فوریه و بسته‌شدن تنگه هرمز برای تجارت، تمام نفتی را که می‌توانستند به دست آورند، خریداری کرده‌اند. به لطف عرضه فراوان نفت خام دریایی که عمدتاً شامل نفت خام تحریم‌شده روسیه و ایران بود، شوک ناشی از عواقب جنگ در ابتدا تا حدودی کاهش یافت اما نه برای مدت طولانی. با اتمام این عرضه، شوک بزرگ‌تری می‌شود و اکنون اولین نشانه‌های مشکل پیش‌رو در حال ظهور است. بر اساس گزارش اوایل پرایس، آسیا بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت، گاز و شوکرک پتروشیمی خاورمیانه مانند نفتاست. با کاهش عرضه ناشی از جنگ، دولت‌ها با تعیین سقف قیمت سوخت، یارانه‌ها و حتی جیره‌بندی، برای تعدیل تأثیر این آسیب اقدام کرده‌اند. با این حال، غلبه بر کمبود فیزیکی این شوکرک کلیدی با هر یک از این اقدامات دشوار خواهد بود.

#### یادداشت

#### جنگ رمضان و پیامدهای آن

۲- پیامدهای این جنگ می‌تواند خط پایانی بر پیمان ابراهیم (Abraham Accords) هم باشد، زیرا به نظر می‌رسد اینکه جنگ عربستان را قیلا در عادی‌سازی با رژیم اسرائیل دچار تردید کرده بود، اکنون به این نتیجه رساده باشد که با اسرائیل نمی‌توان به صلح و ثبات دست یافت. آمریکا و اسرائیل در پی سلطه مطلق و تسلیم کشورهای غرب آسیا هستند و در طرح‌هایی که برای شکوفایی اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای می‌دهند، حسن‌نیت ندارند. تبلیغاتی که از سوی ترامپ برای بازآیایی چنین توافق میان اعراب و اسرائیل انجام شد، در عمل نشان داد که در این توافق خواست کشورهای عربی اساساً نادیده گرفته می‌شود و زمامداران اسرائیل آمادگی برای چشم‌پوشی از طرح‌های امنیتی ن ندارند و آنان همچنان به دنبال اسرائیل بزرگ هستند.

۳- بازی کردپورهای اقتصادی شرق و غرب نیز دستخوش تحولات شده است. راه توسعه هند-اسرائیل که از طریق امارات و عربستان می‌گذشت، با خروج عربستان از طرح و متوقف‌کردن پروژه‌های زیرساختی از دور خارج شده است. راه توسعه عراق نیز که بندر فاو را به بندار ترکیه و سوریه متصل می‌کند، به دلیل انسداد تنگه هرمز و احتمالاً رژیم جدید دریایی که از سوی ایران وضع خواهد شد، بلاکلیف است. در عوض کردپورهای جدیدی در حال گشایش است، به این معنی که پاکستان با ارائه ششم مسیر زمینی و ترکیه با تقویت گذرراه‌های زمینی با ایران، مسیرهای جایگزینی را برای شکستن محاصره دریایی آمریکا ایجاد کرده‌اند. درعین‌حال در صورت تداوم محاصره دریایی ایران، چین نیز احتمالاً با ایجاد گذرراه «یک کمربند-یک جاده» بار دیگر به عبور این کردپور از ایران بیندیشد، همچنان که هند نیز ممکن است توسعه کردپور جنوب به شمال را تسریع کند.

۴- جریان انتقال نفت و گاز و دیگر فراورده‌های مرتبط با انرژی‌های فیسیلی نیز با چالش‌های بسیار بزرگی روبه‌رو شده است، به این معنا که تنگه هرمز علاوه بر انرژی، دریچه‌ای حیاتی برای امنیت کشاورزی جهان نیز هست و بخش بزرگی از صادرات اوره که از پرکاربردترین کودهای شیمیایی جهان است، از این تنگه عبور می‌کند، به نحوی که بیش از نیمی از تولید غذایی جهان به این کودها متکی است. زنجیره نظام امنیت غذایی جهان به موادی نظیر اوره و آمونیاک اتکا دارد. پیامدهای انسداد تنگه هرمز از یک سو و محاصره دریایی آمریکا از سوی دیگر می‌تواند تا مدت‌ها در اقتصاد بین‌الملل اثرگذار باشد که تعطیلی کارخانه‌ها در آسیا، پروازها را نیز و سهمیه‌بندی بنزین در جهان تنها بخش کوچکی از پیامدهای آن جنگ است. ساختارهای مالی جهان نیز در معرض آسیب جدی قرار دارد که در حد خود به بی‌ثباتی و افزایش بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی و حتی ناآرامی‌های سیاسی و مورش‌های اجتماعی و تاریضاتی‌ها دامن خواهد زد.

۵- به نظر می‌رسد روسیه، چین و قدرت‌های اروپایی نیز در حال تجدیدنظر در سیاست‌های دفاعی، امنیتی و اقتصادی خود هستند و احتمالاً توازن قدرت در جهان در یک آینده میان‌مدت با‌تعریف می‌شود. این تحولات به هر شکلی که پیش برود، به تضعیف آمریکا و کاهش هژمونی این کشور خواهد انجامید. ابرقدرتی که از توانایی لازم برای پیروزی بر یک قدرت متوسط منطقه‌ای برخوردار نبود، چگونه می‌تواند در مقابل رقیب بزرگ خود به پیروزی‌های قاطع دست یابد. محدودیت‌های آمریکا برای این کشورها که از ابزارهای شناختی و فناوری‌های اطلاعاتی برخوردارند، طبیعتاً در مقایسه با دیگران آشکارتر خواهد بود.

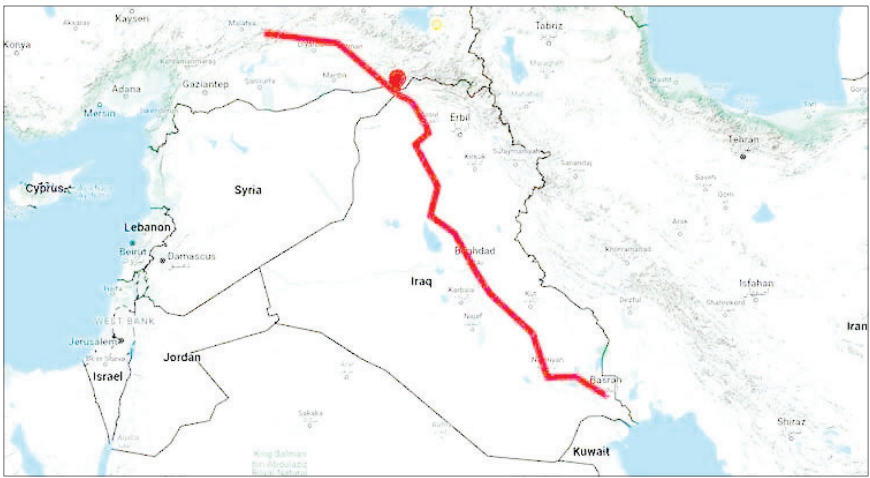
۶- جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران نمایشی از جنگ فناوری‌های پیشرفته و گران‌قیمت، توانایی‌های جنگ سایبری و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در برابر یک جنگ نامتقارن بود که در آن کشوری که مورد حمله قرار گرفت، افزون بر توانایی در بهره‌گیری از جنگ سایبری و هوش مصنوعی، از موقعیت ژئوپلیتیک و نیز قدرت مقاومت منطقه‌ای برخوردار بود. به نظر می‌رسد پیامد این جنگ، به بازتعریف جنگ و گذار از جنگ‌های کلاسیک به جنگ مدرن خواهد انجامید، به نحوی که هم‌اکنون نیز کشورهای فعال منطقه بر آند و افزایش قدرت تهاجمی خود به ابزارهای ارزان‌ارز قیمت نظیر پهپادها روی آورده‌اند.

۷- پیامد دیگر این جنگ در حوزه خود بیانگر روایت‌هاست، با آنکه رسانه‌های جهان برای روایت‌سازی دوامدار و اختیار غلب و به‌ویژه آمریکا و اسرائیل قرار دارد، اما هدایت افکار عمومی به دست آنان نبود و تلاش ترامپ برای تولید توییט و فریب‌کاری رسانه‌های به‌سرعت تأثیر خود را از دست داد، به نحوی که جایگزین آن روایت‌های ایران بود که فرایک می‌شد. ورود ویدئوهای تولیدشده ایرانی با استفاده از هوش مصنوعی به سبک لگو و با استفاده از هنر طنز، فرهنگ عامه و روایت‌های ساده به گزارش تلویزیون‌های الجزیره و سی‌ان‌ان به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی فرایک شد و میلیون‌ها نفر از این کلیپ‌ها بازدید کردند. به نظر می‌رسد در پی این جنگ، نقش رسانه‌های اجتماعی در روایت‌سازی‌ها می‌تواند جدی‌تر در نظر گرفته شود.

۸- جنگ رمضان همچنین چهره دیگری از قدرت بی‌پایان مقاومت مردمی ارائه کرد. در سطح منطقه‌ای اغلب سناریوهای غربی فرض را بر نتوانایی ایران در بهره‌گیری از مقاومت قرار داده بودند، حضورنداشتن حماس در غزه، شرایط حزب‌الله پس از شهادت جبرائش و ادغام جشدالشعبی در ساختار حکومتی عراق و نیز دوری یمن از صحنه جنگ این گمان را تقویت کرده بود که ایران نمی‌تواند از عنصر مقاومت به‌خوبی بهره بگیرد ولی تجربه نشان داد که جریان‌های مردمی با رشه‌های تاریخی، دینی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پایدارتر از آن هستند که سناریوپردازان غرب ارزیابی می‌کنند. نیروهای مقاومت ققتوس‌وار بار دیگر می‌توانند از میان خرابه‌ها و خاکسترها ظهور کنند و شگفتی‌ساز شوند. همچنین خیزش مردم در ایران نیز در محاسبه آنان ناپدید نموده. تجربه این جنگ نشان داده که حضور مردم می‌تواند باطل السحر هرگونه اقدام خصمانه باشد. انسجام داخلی و وحدت ملی در هر کشوری می‌تواند تهدیدات خارجی را به حداقل آن کاهش دهد. یابد منظر آینده ماند تا جهان شگفتی‌های جنگ رمضان را تجربه کند.

«شرق» از تلاش‌های ترکیه برای دورزدن تنگه هرمز و کردپورهای ایرانی و تسهیل صادرات انرژی به اروپا گزارش می‌دهد

# بازی دوگانه ترکیه



مرز کشور خود با ارمنستان را دوباره باز کنند تا یک مسیر تجاری مورد حمایت ترامپ میان اروپا و آسیا فعال شود.

#### ترکیه به دنبال دورزدن تنگه هرمز

به موازات این‌ پروژه، ترکیه با عزم جدی در حال راه‌اندازی کردپور «راه توسعه» عراق است که علاوه بر مسیر شرق به غرب کردپور زنگزور، کردپور ترانزیتی شمال به جنوب ایران را به حاشیه می‌برد. همچنین آلپ‌اسرلان بایرکتار، وزیر انرژی ترکیه، در گفت‌وگو خبرگزاری آتادولو از پیشنهادهای ترکیه به عراق خبر داده است که منطقه نفت‌خیز بصره در جنوب عراق را به شمال این کشور متصل می‌کند

عراق می‌تواند بدون نیاز به تنگه هرمز، نفت خود را از شمال این کشور به ترکیه و سپس اروپا صادر کند. خط لوله عراق-ترکیه، نفت کرکوک را به بندر میدیترانه‌ای جیهان در ترکیه منتقل می‌کند. این خط لوله ظرفیتی بیش از ۱.۵ میلیون بشکه در روز دارد و می‌تواند حجم قابل توجهی از نفت عراق را بدون نیاز به خلیج فارس و تنگه هرمز صادر کند. همچنین ایده ساخت یک خط لوله گاز از قطر به ترکیه در دوباره مطرح کرد که از چند کشور ازجمله عربستان سعودی، اردن و سوریه گذر می‌کند. به گفته بایرکتار، «بنابراین شما دیگر صادرات LNG ندارید. در حال حاضر هم ظرفیت نمی‌توانید از هرمز گذر کنید. حالا تصور کنید مقداری گاز از راه یک خط لوله به ترکیه و اروپا منتقل شود. ما یک مسیر صادراتی جایگزین برای شما باز می‌کنیم». همچنین تسنیم در اردیبهشت ۱۴۰۵ خبر داد ترکیه قراردادی را با عراق امضا کرده که طی آن دولت بغداد ۲۰ سامانه پدافند هوایی را از ترکیه می‌خرد تا به وسیله آن امنیت میداین نفت و گاز خود را تأمین کند. این قرارداد آنجا معنادارتر می‌شود که بخش قابل توجهی از میداین نفت و گاز عراق در شمال این کشور و در نزدیکی ترکیه قرار دارد و سرمایه‌گذارانی از آمریکا، امارات و اسرائیل در این میداین حضور داشته و به دنبال تأمین پایدار انرژی اروپا از طریق میداین شمالی عراق هستند. این میداین بارها در جریان حملات راکتی ایران به مواضع نیروهای مخالف ایران آسیب دیده‌اند.

گذشته از این، عراق در سال‌های اخیر پروژه «راه توسعه» را با کمک ترکیه کلید زده است. هدف این پروژه، اتصال آسیا به اروپا از طریق شبکه راه‌آهن، جاده‌ها، بندر و مراکز شهری است. در قلب آن، توسعه بندر بزرگ فاو در جنوب عراق نهفته شده که به ترکیه متصل است و می‌تواند به اروپا گسترش یابد.

ارمنستان وارد شوند و این کشور را از فقر نجات دهند. پس از این معامله بود نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، ترامپ را شایسته جایزه صلح نوبل دانست و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان گفت: «شاید با نخست‌وزیر پاشینیان توافق کنیم تا درخواست مشترکی برای معرفی ترامپ به کمیته صلح نوبل ارائه دهیم؛ چراکه هیچ‌کس جز او نمی‌توانست چنین کار بزرگی انجام دهد». این توافق یک برنده بزرگ اما پنهان داشت؛ ترکیه، کشوری که سال‌هاست سودای احیای امپراتوری عثمانی را در سر می‌پروراند و با باریکه ناچیزی به طول تقریبی ۱۷.۷ کیلومتر مرز خود را با نخجوان حفظ کرده است تا از طریق آن، شهرگ‌های تجاری قفقاز جنوبی و ازجمله کردپور زنگزور را در کنترل بگیرد و به دروازه ترانزیت انرژی به اروپا تبدیل شود. خاصه آنکه تولیدکنندگان بزرگ نفت و گاز بیارمون دریای خزر در این منطقه متمرکز هستند.

این بلندپروازی ترکیه می‌تواند دسترسی مستقیم ایران به بازار انرژی اروپا را تحت‌الشعاع قرار دهد. بلافاصله پس از انعقاد توافق‌نامه احداث مسیر ترامپ، بلومبرگ گزارش داد ترکیه اتصال ریلی خود را به مسیر ترامپ آغاز کرده است. عبدالقادر اوراولغو، وزیر حمل‌ونقل ترکیه،

در مراسم کلنگ‌زنی اعلام کرد این خط آهن به طول ۲۴۴ کیلومتر گذرگاه مرزی «دیلجو» در ترکیه را به نخجوان و خط اصلی راه‌آهن در استان هم‌جوار «قارص» متصل خواهد کرد. این خط آهن بخشی از کردپور ترانزیتی قفقاز جنوبی

موسوم به «مسیر ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» است که آمریکا حق انحصاری بهره‌برداری از آن را در اختیار گرفته است. اوراولغو در این مراسم تأکید کرد این کردپور همکاری اقتصادی میان ترکیه، آذربایجان و ارمنستان را تقویت کرده و صلح منطقه‌ای را تحکیم خواهد کرد و پس از تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل بخش‌های مربوط به نخجوان، ارمنستان و سرزمین اصلی آذربایجان، مسیر تجارت بین‌المللی که از چین تا برتانیا امتداد دارد، کارآمدتر خواهد شد. ترکیه برای ساخت این خط ریلی به‌سرعت از بانک MUFG ژاپن، سازمان اعتبار صادراتی EKN سوئد و همچنین از شرکت‌های زیرمجموعه بانک توسعه اسلامی، ۲.۴ میلیارد یورو جذب کرد و دست به کار شد. حال در شرایطی که ظاهراً در جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، ترکیه از ایران جانبداری می‌کند، تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از سر گرفته تا دسترسی اروپا و اسرائیل را به بازار انرژی تسهیل کند. فایننشال‌تایمز خبر داده است مقام‌های ترکیه برنامه دارند

## تنگه هرمز در عصر «جنگ جهانی تجارت»

## از افشاگری غرب تا راهبرد ایران



#### رضا موسوی

#### کارشناس اقتصادی

هرمز تنها یک مسیر عبور نیست، بلکه یک «دارایی ژئوپلیتیک» است که می‌تواند در معادلات قدرت نقش تعیین‌کننده ایفا کند. اما نکته کلیدی نحوه استفاده از این ظرفیت است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که بهره‌برداری از چنین اهرم‌هایی، اگر بدون محاسبه دقیق باشد، می‌تواند به افزایش تنش و بی‌ثباتی منجر شود. براساس این رویکردی که در ادبیات راهبردی ایران مورد تأکید قرار گرفته، «بازدارندگی هوشمند» است؛ یعنی حفظ توان اثرگذار، بدون حرکت به سمت درگیری پرهزینه.

#### نگرانی غرب از «سابقه‌سازی»

یکی از نکات درخورتوجه در تحلیل بالدوین، نگرانی او از گسترش این الگو به دیگر مناطق جهان است. اشاره به احتمال الگوگیری کشورهای که به سر‌کلوکه‌های حیاتی تسلط دارند، نشان می‌دهد که مسئله صرفاً ایران نیست، بلکه تغییر سیاست خارجی در حال وقوع است. برای نمونه، Strait of Malacca نیز می‌تواند در چنین چارچوبی به یک ابزار فشار تبدیل شود. اگر این روند گسترش یابد، نظام تجارت جهانی با چالشی جدی مواجه خواهد شد؛ چالشی که می‌تواند به بازتوزیع قدرت در سطح بین‌المللی منجر شود.

#### ضرورت نگاه سیاست‌گذاری: میان قدرت و هزینه

با وجود تمام این تحولات، یک واقعیت مهم نباید نادیده

#### گزارش

#### در جدیدترین گزارش بانک جهانی

#### بررسی شد

#### سیاست صنعتی برای توسعه در قرن ۲۱

امبرضا انگجی، پژوهشگر اقتصاد:

گزارش پژوهشی بانک جهانی با عنوان «سیاست صنعتی برای توسعه: رویکردهایی برای قرن بیست‌ویکم» به قلم آتا مارکاریدا فرناندز و تریستان رید، تحلیلی جامع و نوین از بازگشت جهانی به سیاست‌های صنعتی ارائه می‌دهد و تأکید می‌کند که در فضای اقتصادی فعلی که با کاهش رشد جهانی و حمایت‌گرایی فزاینده روبه‌رو است، دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری به دنبال ابزارهایی برای شکل‌دهی به ساختار تولیدی خود هستند.

این گزارش با رویکردی واقع‌گرایانه بیان می‌کند که اگرچه سیاست صنعتی به ابزاری فراگیر تبدیل شده و کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا اکنون رکورددار تخصصی بارانه‌های تجاری هستند، اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه در معرض خطر شکست قرار دارند؛ زیرا اغلب از ابزارهای فراتر از ظرفیت خود و هزینه‌بر مانند تعرفه‌های سنگین و یارانه‌های مستقیم‌گسترده استفاده می‌کنند. نویسندگان گزارش استدلال می‌کنند که موفقیت در سیاست صنعتی مستلزم گذار از این ابزارهای سخت به سمت ابزارهای ظریف و هدفمندتر است که مستقیماً شکست‌های بازار و مشکلات هماهنگی را بدون تحمیل هزینه‌های گزاف به مصرف‌کننده یا ایجاد انحراف در کل اقتصاد هدف قرار می‌دهد.

نواوری اصلی این سند در ارائه یک «چارچوب امکان‌سنجی» است که به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند انتخاب ابزارهای خود را بر اساس سه متغیر کلیدی ظرفیتی تنظیم کنند که ما در ادامه به آن بازمی‌گردیم. این گزارش همچنین تأکید دارد که سیاست صنعتی نباید به عنوان جایگزینی برای اصلاحات بنیادی در آموزش، زیرساخت و کثبات اقتصادی نگرسته شود، بلکه باید به‌عنوان مکمل این اصلاحات و در قالب یک فرایند یادگیری مستمر بین دولت و بخش خصوصی، با تسکین به داده‌های دقیق و مکانیسم‌های پاسخ‌گویی شفاف اجرا شود تا از تله رانت‌جویی و اتلاف منابع جلوگیری شده و مسیر واقعی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و ایجاد اشتغال پایدار فراهم شود.

#### بازگشت به سیاست صنعتی

مفهوم سیاست صنعتی در قرن جدید از مدل‌های سنتی که صرفاً بر جایگزینی واردات متمرکز بودند، فاصله گرفته و اکنون به مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی اطلاق می‌شود که دولت‌ها برای شکل‌دهی به ساختار تولیدی اقتصاد، فراتر از مکانیسم‌های بازار، به کار می‌گیرند. گزارش بانک جهانی تأکید می‌کند که در دهه‌های اخیر، فرمول ساده رشد اقتصادی که بر مدیریت کلان اقتصادی و آزادسازی بازارها استوار بود، تحت تأثیر کاهش رشد جهانی، شکست‌ها در جهانی‌سازی و موج جدیدی از حمایت‌گرایی در کشورهای پیشرفته، کارایی سابق خود را از دست داده است. به همین دلیل، دولت‌ها در سراسر جهان، از کشورهای با درآمد پایین تا اقتصادهای پیشرفته، دوباره به ابزارهای سیاست صنعتی روی آورده‌اند تا مسیرهای جدیدی برای رشد و ایجاد اشتغال بیابند.

برخلاف تصور رایج، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای با درآمد متوسط رو به بالا، بیشترین استفاده را از سیاست‌های صنعتی و یارانه‌های تجاری دارند. آمارها نشان می‌دهد کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا، به‌طور متوسط ۴.۲ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) خود را صرف یارانه‌های تجاری می‌کنند که بالاترین میزان ثبت‌شده در تاریخ است. همچنین، بررسی برنامه‌های توسعه ملی در ۱۸۳ کشور نشان می‌دهد که تمام این کشورها حداقل یک صنعت خاص را برای حمایت هدف‌گذاری کرده‌اند. در حالی که کشورهای کم‌درآمد به‌طور متوسط ۱۳ صنعت را هدف قرار داده‌اند که این رقم بیش از دو برابر تعداد صنایع هدف در کشورهای پردرآمد است.

گزارش بانک جهانی هشدار می‌دهد که علی‌رغم اشتیاق زیاد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اجرای این سیاست‌ها ناکام می‌مانند؛ زیرا به‌جای استفاده از ابزارهای دقیق و متناسب با ظرفیت خود، به ابزارهای سخت و هزینه‌بر مانند تعرفه‌های سنگین و یارانه‌های مستقیم‌گسترده متوسل می‌شوند.

#### گزارش کامل را در سایت «شرق» بخوانید

ادامه از صفحه اول

اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول

اولادیه از صفحه اول